

zur Sozialterminologie der Iranischen Manichäer, Eine semantische Analyse im Vergleich zu den nichmanichäischen iranischen Quellen, Iris Golditz, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2000, 454 pp.

از دستنوشته های ایرانی - مانوی موجود در مجموعه آثار تورفانی در برلین، در بردارنده متون سده های چهارم تا یازدهم میلادی، می توان اطلاعات فراوانی درباره دین مانوی و زندگی اجتماعی آن زمان استخراج کرد و از منظر این منابع، گوشه ای از جامعه ساسانی آن زمان را شناخت. در کتب درباره اصطلاحات اجتماعی مانوی ایرانی (تجزیه و تحلیل معنایی در مقایسه با منابع غیرمانوی)، نویسنده می کوشد شباهتها و تفاوت های اصطلاحات اجتماعی مانویان و غیرمانویان، یعنی اصطلاحات موجود در متون دینی پهلوی و کتیبه های ساسانی را بررسی کند. از این میان، شش اصطلاح اجتماعی بسیار مهم *āzād*, *bannag/bandag*, *iskōh/iškōh*, *tuwān/tāwag*, *wuzurg* و *vispuhr* را در شش فصل اصلی کتاب به همراه مترادفات و متضادهای آنها بررسی کرده است. البته برای تحقیق خود به منابع مانوی غیرایرانی، از جمله منابع یونانی، ترکی و چینی نیز توجه کرده است. همچنین نویسنده به تحول و تغییرات معنایی و تغییر کاربرد برخی از اصطلاحات در بافت اخلاقی و دینی جامعه پرداخته است و از این طریق، چگونگی جا افتادن آنها را در ایران روشن کرده است. او نخست در مقدمه شیوه و روش کار خود را به همراه منابع به کار آمده در تحقیق توضیح داده. در فصل نخست به توضیح برخی از مسائل تاریخی مربوط به دین مانوی و مانویان پرداخته. در شش فصل بعدی، اصطلاحات اجتماعی یادشده را بررسی و تفسیر کرده و پس از جمع بندی نتایج حاصل از بررسی این شش اصطلاح، کتاب را با نمایه ای جامع به پایان رسانده است. چنین پژوهش تازه ای می تواند دریچه ای نو بر تاریخ اجتماعی و جامعه شناسی ایران بگشاید.

Das mandäische Fest der Schalttage, Edition, Übersetzung und Kommentierung der Handschrift DC 24 Šarh d-paruania, Bogdan Burtea, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2005, 246 pp.

از منداییان، که از جمله آخرین بازماندگان باورمندان ادیان گنوسی به شمار می‌آیند، آثار دینی زیادی در دست است که در مورد برخی هنوز پژوهشی صورت نگرفته است. نویسنده کتاب جشن سال کبیسه‌ای مندایی (تصحیح و ترجمه و تحشیه بر دستنویس شماره ۲۴، شرح د - پاروانیا) نخستین بار به تحقیق و بررسی در مورد این دستنویس پرداخته است. دستنویس مذکور پنج رسم و آیین بسیار مهم منداییهای پاروانیا را در مورد سال کبیسه توضیح می‌دهد. خوشبختانه، نویسنده که خوب می‌داند خط مندایی چندان شناخته شده نیست، برای آسانی قرائت متن، دستنویس را با آوانویسی همراه کرده و در بخش ترجمه کوشیده تا آنجا که ممکن است معنایی نزدیک به اصطلاحات معمول مندایی ارائه کند. در حواشی نیز کوشیده است، علاوه بر توضیح برخی از مشکلات دستوری متن، به تفسیر و بررسی این آیینها پردازد. فهرست بسیاری از واژگان تازه مندایی و نمایه نام جایها پایان بخش کتاب است.

Studien zur Pahlavi-Übersetzung des Avesta, Alberto Cantera, Wiesbaden: Harrassowitz Verlag, 2004, 379 pp.

از آغاز مطالعات اوستایی، ترجمه پهلوی اوستا به بررسیهای ریشه‌شناختی واژگان اوستایی کمک کرده و همواره مورد توجه محققان زبان اوستایی قرار گرفته است. این دسته مطالعات، که از قرن نوزدهم میلادی در میان ایران‌شناسان رایج بود، به رغم کاستیها و خطاهای بسیار، همچنان در قرن بیستم نیز ادامه یافت. برای ارائه ترجمه دقیق اوستای پهلوی، ترجمه و تصحیح دقیق دیگر متون، چون هیربدستان و نیرنگستان که کوتوال (Kotwal) و کراین بروک (Kreyenbroek) عرضه کرده‌اند یا متن وندیداد که آلبرتو کانترا به تحقیق درباره فرگرد نخست آن پرداخته الزامی است. اخیراً نیز کانترا بحث نیاز به بررسی ترجمه پهلوی اوستا و مسائل مربوط به آن را از نو زنده کرده است. او در کتاب مطالعاتی درباره ترجمه پهلوی اوستا، نه تنها دلیل این پژوهش جدید را در مقایسه با بررسیهای قبلی توضیح می‌دهد، بلکه اسلوبهای ترجمه مترجمان قبلی متون اوستایی به فارسی میانه زردشتی (زند) را نقد و بررسی می‌کند. نویسنده در فصل نخست به توضیح معنایی ابستاگ و زند در ادبیات پهلوی پرداخته و در فصل دوم، سابقه بررسیهای انجام گرفته در این زمینه را توضیح می‌دهد. وی در فصل سوم منابع نوشتاری پهلوی موجود از اوستا را بررسی و تاریخ این دستنوشته‌ها را در فصل چهارم تعیین می‌کند. در فصل پنجم به برخی از مسائل فنی و دستوری

این متون پرداخته و با نمایه‌ای کتاب را به پایان رسانده است. این بررسی دورنمای تاریخی مفصل و منظمی را از روند تغییر اوستا در دوران ساسانیان و بعد از آن در برابر خواننده می‌گشاید، روندی که در شکل‌گیری تصویر متأخرتر زردشتی‌گری نقشی اساسی ایفا می‌کند.

بهار مختاریان

روایت آذرفرنبغ فرخزادان، به کوشش حسن رضایی باغبیدی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴، ۴۱۲ ص.

آذرفرنبغ فرخزادان، موبدان موبد فارس، پیشوای زردشتیان در قرن سوم هجری، نخستین کسی است که بخشهای پراکنده دینکرد را، که دانشنامه دین زردشتی لقب گرفته، پس از حمله اعراب جمع‌آوری کرد. بسیاری از دانشمندان و فقیهان به گفته‌های او استناد کرده و او را با عناوین «پیشوای بهدینان»، «بزرگترین فرزانه» و «اشو» یاد کرده‌اند. از آثار منسوب به آذرفرنبغ فرخزادان می‌توان کتاب سوم دینکرد، آئین‌نامه که درباره اصول عقاید زردشتی است، کتاب پنجم دینکرد، و متنی کوتاه معروف به چند سخن که آذرفرنبغ فرخزادان گفت را نیز نام برد.

روایت آذرفرنبغ فرخزادان مجموعه پاسخهای وی به ۱۴۸ پرسش مطرح در آن زمان در زمینه فقه و حقوق است. سوالات و پاسخها غالباً کوتاه است و کوشش شده مطالب مربوط به یک موضوع به دنبال هم بیاید. زبان به کار رفته در این متن آخرین مراحل حیات فارسی میانه را نشان می‌دهد. خلاصه احکام روایت آذرفرنبغ فرخزادان از این قرار است: ازدواج و فرزندخواندگی، قیمومیت و ارث، پلیدی و تطهیر. بخشی از این پرسش و پاسخها نیز مربوط به زردشتیانی است که به اسلام گرویده بودند، از جمله: ارتداد و تبعات آن، زنا با کافر و تبعات آن، گناه و ثواب، مناسک دینی، بخشش، توسل با آزمایش دینی، وام و گرو، درباره نبستن گستی، خیرات برای روان، توبه، جنگ با دشمنی که در راه به او برمی‌خوریم، و خرید از مسیحیان.

روایت آذرفرنبغ فرخزادان، پیش از ترجمه فارسی حسن رضایی باغبیدی، نخستین بار به همت بهرام گور تهمورس انکلساریا به زبان انگلیسی ترجمه و در ۱۹۶۹ منتشر شده است.

روایت آذرفرنبغ فرخزادان به دلیل دربرداشتن تعدادی جملات اوستایی که در جای دیگر نیامده درخور توجه است. کتاب شامل بخشهای زیر است: آوانویسی متن به شیوه مکزی، ترجمه فارسی، آوانویسی واژه‌ها و عبارتهای اوستایی به شیوه هوفمان، واژه‌نامه بسامدی تهیه شده براساس متن، فهرست عبارتها و جمله‌های اوستایی، فهرست واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی و، در آخر، تصویر نسخه موجود در TD2.

مقدمات زبان سنسکریت (جلد اول)، حس رضایی باغبیدی، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۴، ۱۱۸ ص.

زبان سنسکریت یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبانهای آریایی است که خود شاخه‌ای بسیار مهم از خانواده بزرگ زبانهای هند و اروپایی است. زبان مشترک آریاییان آسیای مرکزی را به دو شاخه تقسیم کرده و شاخه نخست را نورستانی آغازین و شاخه دوم را هند و ایرانی آغازین نامیده‌اند. این زبان پس از گذشت قرن‌ها در مناطق مختلف دگرگونی‌هایی یافت و آن را به سه زیرشاخه تقسیم کردند: زبانهای ایرانی، زبانهای دَردی، و زبانهای هند و آریایی. زیرشاخه زبانهای هند و آریایی، آریایی میتانی، آریایی شمال دریای سیاه و همه زبانهای قدیم و جدید هندی است. زبانهای هندی نیز سه دوره باستان، میانه و نو را شامل می‌شود که زبان سنسکریت متعلق به دوره باستان زبانهای هندی است و کهن‌ترین گونه این زبان، سنسکریت ودایی است که برای سرایش وداها (سرودهای مقدس هندوان) و سپس برای نگارش براهمنه‌ها، تفسیر وداها، به کار می‌رفته است. زبان سنسکریت نزدیک‌ترین زبان به زبانهای ایرانی باستان (اوستایی و فارسی باستان) است. خطی که برای نگارش این زبان به کار می‌رود، درناگری «(خط) شهر خدا» نام دارد. این خط با تغییراتی از خط براهمی به وجود آمد که خود برگرفته از خط سامی است ولی از چپ به راست نوشته می‌شود.

از جمله منابع فارسی مربوط به آموزش زبان سنسکریت می‌توان به خودآموز زبان سنسکریت تألیف محمدعلی حسنی داعی‌الاسلام، منتشرشده در سال ۱۳۶۱ اشاره کرد که با وجود غنی بودن، با گذشت بیست و چند سال از زمان تألیف آن، نحوه بیان و اصطلاحات به کار رفته در آن امروزه دیگر چندان کاربرد ندارد. منابع دیگر فارسی بیشتر به ذکر نکات دستوری پرداخته یا واژه‌نامه زبان سنسکریت را ارائه کرده‌اند.

جلد اول کتاب مقدمات زبان سنسکریت شامل یک مقدمه و ۱۲ درس است. در مقدمه، ابتدا توضیحاتی درباره خط نگارش زبان سنسکریت، دوناگری، ارائه شده است. هر درس شامل سه بخش نکات دستوری، واژه‌نامه و تمرین است که پیش از انجام دادن تمرینها، باید نکات دستوری و واژه‌نامه را به دقت مطالعه کرد. در پایان هر سه درس، متنی به خط دوناگری همراه با آوانویسی، ترجمه فارسی و شرح نکات دستوری واژه‌های متن آورده شده است.

با توجه به دسته‌بندی منظم مطالب، این کتاب روش تدریس مناسبی را ارائه می‌دهد. سادگی و شیوایی بیان نویسنده فهم مطالب را برای خواننده بسیار ساده می‌سازد و گام به گام او را در مسیر آشنایی با این زبان و خط و نکات دستوری آن همراهی می‌کند. این کتاب منبع درسی مفیدی برای دانشجویان و علاقه‌مندان به آموزش زبان سنسکریت است.

Kritische Neuedition der Achaemenischen Keilinschriften, Gunter Schweiger, 1998, 920 pp.

در ۱۹۵۳، رولاند جی. کنت (Roland G. Kent) واژه‌نامه کتیبه‌های فارسی باستان را همراه با آوانوشت تمام کتیبه‌ها به چاپ رساند. این اثر در حال حاضر مرجع اصلی خواندن کتیبه‌های فارسی باستان است، اما فقدان حرف‌نویسی کتیبه‌ها یکی از نواقص بزرگ آن به شمار می‌رود.

رودیگر اشمیت (Rüdiger Schmitt) در ۱۹۹۱ حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه انگلیسی کتیبه بیستون را به همراه توضیحات معناشناختی و ریشه‌شناختی برخی واژه‌ها به چاپ رساند و نظریات دیگر محققان را به صورت پانوشت بر آن افزود. در سال ۲۰۰۰ نیز کتیبه‌های داریوش و خشایارشا را در نقش‌رستم و تخت جمشید و همچنین چند کتیبه از اردشیر را به همراه حرف‌نوشت، آوانوشت و ترجمه انگلیسی و نیز توضیحات معناشناختی و ریشه‌شناختی برخی واژه‌ها به چاپ رسانید. ولی کتیبه‌هایی چون شوش، الوند، همدان، سوتز، اردشیر اول، و اردشیر دوم (همدان) بررسی نشد.

در ۱۹۹۸، گونتر شوایگر رساله دکتری‌اش را در دو جلد با عنوان نگاهی نو بر کتیبه‌های شاهان هخامنشی به زبان آلمانی به چاپ رساند. جلد اول کتاب به آوانویسی و ترجمه آلمانی کتیبه‌ها و جلد دوم به حرف‌نویسی و تصاویری چند مربوط به کتیبه‌ها اختصاص یافته است. از مزایای این کتاب ارائه حرف‌نوشت و آوانوشت همه کتیبه‌های فارسی باستان (بجز کتیبه پنج‌ستونی بیستون) است.

شوایگر در جلد اول، پس از پیشگفتاری درباره روند پژوهش خود، فهرستی از کوتاه‌نوشتها و شجره‌نامه هخامنشیان را همراه با صورتهای حرف‌نوشت ایلامی، اکدی و یونانی به انضمام توضیحات درباره اسامی هر فرد آورده است. سپس به آوانویسی، ترجمه آلمانی و توضیحاتی (در پانوشت) در مورد مهرها و دیگر نوشته‌های روی اشیای این دوره و همچنین به پژوهش و بررسی واحدهای اوزان پرداخته و در پایان نیز فهرستی از منابع را آورده است.

در جلد دوم، ابتدا فهرستی از کتیبه‌های بررسی‌شده در کتاب آمده و سپس مشخصات کتیبه (طول و عرض، مقدار ریختگی و همچنین جنس کتیبه)، موضوع کتیبه، کتابنامه و حرف‌نوشت (همراه با بازسازیها) آمده است. در پانوشت، توضیحات و نظریات ایران‌شناسان دیگر نیز ذکر شده است.

آوانویسی به کار رفته در این کتاب شیوه‌ای است مرکب از شیوه کنت و اشمیت. بعد از کتاب

فارسی باستان کنت، یک بار دیگر در این کتاب نیز کتیبه‌های شوش، الوند، همدان، سوئز، اردشیر اول، اردشیر دوم (همدان) و ... حرف‌نویسی و آوانویسی شده‌اند.

در پایان سطرهای بعضی از کتیبه‌ها، با علامت \blacklozenge \blacklozenge ، تعداد هجاها و واژه‌جداکن‌ها و اندیشه‌نگارها نیز مشخص شده است.

به گمان شوایگر، دوجلدی بودن این کتاب از مزایای آن به شمار می‌رود زیرا خواننده در جلد اول حرف‌نویسی و ترجمه کتیبه را پیش رو دارد و در جلد دوم، آوانویسی و دیگر توضیحات را بدون احتیاج به ورق زدنهای متوالی و گیج‌کننده، اما قرار گرفتن حرف‌نوشت و آوانوشت در صفحات روبه‌روی هم همراه با ترجمه در زیر آن برای تطبیق آنها با هم، برای خواننده ساده‌تر و کارتر می‌بود.

مریم رضایی

مبانی تاریخ پارتیان، کلاوس شیپمان، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۴، ۱۵۵ ص.

عنوان اصلی کتاب *Gründzüge der Parthischen Geschichte* است. نویسنده کتاب کلاوس شیپمان (Klaus Schippmann)، علاوه بر اینکه دانش‌آموخته رشته باستان‌شناسی خاورمیانه با گرایش «ایران» است، متخصص حقوق سیاسی نیز هست؛ از این رو، نظریاتش در زمینه مناسبات دیپلماتیک و جنگی دو کشور ایران و روم از منظر حقوق بین‌الملل حائز اهمیت است.

مبانی تاریخ پارتیان، که می‌توان آن را منبعی مقدماتی برای استفاده دانشجویان و محققان ایران‌شناسی به شمار آورد، پس از پیشگفتار مؤلف، بخشهای زیر را در برمی‌گیرد:

جغرافیای پارت، تشکیل دولت سلوکی، شاهنشاهی پارت از مهرداد اول تا مهرداد دوم، پارت و روم، ساختار امپراتوری پارت، شرایط اجتماعی از هزاره دوم تا سده ششم پیش از میلاد، روند تحول از سده ششم تا پیدایش شاهنشاهی پارت، جامعه پارت از سده دوم پیش از میلاد تا سده سوم میلادی، اقتصاد در شاهنشاهی پارتیان، سپاه، دین، هنر. گاهشماری (وقایع تاریخی دوره سلوکی و پارتی)، کتاب‌شناسی و نمایه پایان‌بخش کتاب است.

متأسفانه، ترجمه کتاب در خیلی جاها کاملاً تحت‌اللفظی و در نتیجه مبهم است. به نظر می‌آید که متن کتاب ویرایش دقیقی نشده است. در فهرست کوتاه‌نوشتها (ص ۳) نیز عنوان کامل مأخذ به زبان اصلی ذکر نشده است که این امر دسترسی خواننده را به منابع دشوار می‌سازد. امید است که به اصلاح موارد فوق در چاپ بعدی توجه شود.

مبانی تاریخ ساسانیان، کلاوس شیپمان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۴، ۱۸۹ ص.

عنوان اصلی کتاب *Gründzüge der Geschichte des Sasanidischen Reiches* و ادامه کتاب دیگر همین نویسنده است که در ۱۹۸۰ درباره پارتیان به چاپ رسید. ساختار و فصل‌بندی هر دو اثر شبیه به یکدیگر است و تفاوتشان صرفاً این است که به دو دوره مختلف تاریخی پرداخته‌اند.

با ظهور دولت ساسانی، دوران شرق کهن به آخرین نقطه اوج و اعتلای خود می‌رسد. درباره تاریخ این دوره در قیاس با دوره پارت اسناد و مدارک باستان‌شناختی بیشتری در دست است ولی تنها اثر منتشرشده جامع و معتبر مربوط به این دوره کتاب ایران در زمان ساسانیان اثر آرتور کریستن‌سن، دانشمند دانمارکی، است که در ۱۹۳۶ به چاپ رسید و در ۱۹۴۴ با تجدید نظر و افزوده‌هایی چند منتشر گردید. سایر آثار منتشرشده درباره ایران تنها بخش کوچکی را به دوره ساسانیان اختصاص داده‌اند. مبانی تاریخ ساسانیان با ترجمه‌ای ساده و روان، در واقع، شرح مختصری از تاریخ دوره ساسانیان است که با توجه به تحقیقات انجام‌شده بعد از تألیف کتاب کریستن‌سن پدید آمده است و موضوعات زیر را دربرمی‌گیرد:

۱. معرفی منابع به‌جای مانده از این دوره، از جمله کتیبه‌ها، سکه‌ها، مهرهای گلی، منابع مکتوب دینی، گزارش مورخان و جغرافی‌دانان اسلامی؛
۲. تشکیل دولت ساسانی، سلطنت شاپور دوم: اوجی در تاریخ ساسانیان، تجدید حیات دولت ساسانی با روی کار آمدن خسرو اول و خسرو دوم، زوال دولت ساسانی؛
۳. ساختار دولت ساسانیان از اردشیر تا قباد اول، از خسرو اول تا یزدگرد سوم؛
۴. اقتصاد در دولت ساسانی؛
۵. دین در دولت ساسانی؛
۶. سپاه؛
۷. هنر معماری (شهرها، کاخها، خانه‌های مسکونی، سایر بناهای غیرمذهبی، بناهای مذهبی)، نقوش برجسته سنگی، تزئینات گچ‌بری، فلزکاری، پارچه، شیشه، سفالگری، حجاری، سکه‌ها.

فهرست وقایع تاریخی دوره ساسانی در قالب گاهشمار، کتاب‌شناسی و نمایه بخشهای پایانی این کتاب را تشکیل می‌دهد.

شناخت نامه فردوسی و شاهنامه، جلیل دوستخواه، مجموعه «از ایران چه می دانم؟» ۶۱، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۴، ۱۱۷ ص، مصور.

درباره فردوسی حماسه سرای بزرگ و اثر جاودانه او شاهنامه تاکنون آثار بسیار زیادی به زبانهای گوناگون منتشر شده است. جلیل دوستخواه در این اثر موجز به «نام و نشان و زمان و زندگی» فردوسی و بررسی نسخه ها و تصحیحها و چاپهای مختلف و ویژگیهای ساختاری شاهنامه می پردازد و در معرفی این حماسه عناوینی چون «فرهنگ نامه پویای ایرانیان»، «فرشکرد فرهنگی ایرانی» و «پشتوانه فرهنگی، زبانی و گنجینه حکمت» را به کار می برد.

این دفتر با سه بخش «سخن پایانی» که در واقع جمع بندی کلی مطالب کتاب است، «پی نوشتها» و «مآخذ» به پایان می رسد.

ایران شناخت، یادنامه استاد ا. و. ویلیامز جکسون، ترجمه جلیل دوستخواه، تهران: آگه، ۱۳۸۴، ۳۵۵ ص.

آبراهام ولنتاین ویلیامز جکسون (۱۸۶۲-۱۹۳۷)، ایران شناس برجسته امریکایی، تمام زندگی خود را وقف کار در این حوزه کرد. او چهل سال استاد زبانهای هند و ایرانی در دانشگاه کلمبیا بود و در طول عمر پربار خود آثار بسیار ارزشمندی در زمینه اوستا، فارسی باستان، پهلوی، مانی و مانویگری، زردشت و زردشتیگری به جای گذاشت. ایران شناخت ترجمه کتابی است با عنوان *Prof. Jackson Memorial Volume* که در ۱۹۵۴، هفده سال پس از درگذشت این استاد نامدار و به اهتمام انجمن شرق شناسی ک. ر. کاما در بمبئی به یاد وی منتشر شد. ترجمه این اثر با دیرکردی چند ده ساله انتشار می یابد و مترجم در یادداشت آغاز کتاب دلایل این امر را ذکر می کند. با آنکه نظریه های ارائه شده در برخی مقاله های این کتاب با گذر سالیان تغییر یافته و امروزه دیگر پذیرفته نیست، خواننده با مطالعه این اثر در جریان سیر تحول تاریخی نظریات مختلف قرار می گیرد. از سوی دیگر، برگردان سلیس و روان مترجم استفاده از این اثر را برای همگان ممکن ساخته است. کتاب در بردارنده ۲۰ مقاله از ایران شناسان بزرگ و صاحب نظران این حوزه به شرح زیر است:

«Driwi اوستایی»، ه. و. بیلی؛ «یادداشتهایی درباره واژه نگاری پهلوی»، ا. پالیارو؛ «بخش سی ام فرهنگ پهلوی»، د. ه. پشوتن میرزا؛ «گزارش چند واژه اوستایی»، ک. ا. پونگار؛ «دادرسی با 'ور' در ایران باستان»، ج. ک. تاراپور؛ «آیین زناشویی پارسیان»، ا. ج. س. تاراپوروالا؛ «روایات 'صد در' و مؤلفان آنها»، ج. ک. تاوادیا؛ «نام خوارزم»، م. ژ. دوشن-گیمن؛ «رهنمودهایی به واژه نگاری

پهلوی»، ا. ب. ن. ده‌ابر؛ «منتره‌ها»، د. م. ن. ده‌الا؛ «واژه‌های نو و کهن پهلوی»، م. شیرنگ لینگ؛ «آموزه دومینویی در گاهان»، س. ن. کانگا؛ «نوروز در یک متن پازند»، دستور کایوجی و دستور پشوتن میرزا؛ «نویسنده سنگ‌نوشته کعبه زرتشت کیست؟»، آ. کریستن‌سن؛ «یک مزمور مهری (مزمور نوزدهم)»، ج. ک. کویاجی؛ «کوتاه‌نوشته‌ها در پهلوی»، ب. کیگر؛ «پژوهشی دیگر درباره گاو دوسر آسمانی»، ه. لومل؛ «م م م م م (anhast) پهلوی، پازند 'ناراستی، دروغ'»، د. ک. ماهیار کوتار و د. د. پهلان؛ «یادداشت‌هایی درباره چند واژه مهم پهلوی و ساخت آنها»، ا. ر. د. د. مهرجیرانا؛ «یادداشت‌هایی درباره سنگ‌نوشته بزرگ شاپور یکم»، و. ب. هنینگ.

فهرست موضوعی آثار منتشرشده جکسون، واژه‌نامه فارسی به انگلیسی و انگلیسی به فارسی، نام‌ما (نمایه نامهای کسان، جاها، کتابها، گفتارها و پاره‌ای از کلیدواژه‌ها) و کتابنامه از دیگر بخشهای کتاب است.

جمیله حسن‌زاده

مرکز نشر دانشگاهی منتشر می‌کند:

نشر دانش

سال بیست و دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۵

نکاتی در قدمت نسبی برخی از متون فارسی موجود در روایات زردشتی / محمود امیدسالار

ادبیات ارتجالی / محمد اسفندیاری

غم غربت در شعر شاعران صوفی مشرب از قرن ششم تا قرن هشتم / مریم حسینی‌نرد

آقا طاورنیه تاجر فرانسوی / طهمورث ساجدی

گسترش سلسله بسطامیه در خارج از مرزهای ایران / مینا حفیظی

سیری در فرائد السلوک / علیرضا ذکاوتی فراگزلو

مهندسی زبان / علی کافی

• سخنرانیهای «بنیاد ایران و هند باستان» کیمبرج

- ۲۱ اکتبر ۲۰۰۵ (۲۹ مهر ۱۳۸۴): «زنان و موسیقی در جاده بزرگ ابریشم»، راضیه سلطانووا

(Razia Sultanova)؛

- ۴ نوامبر ۲۰۰۵ (۱۳ آبان ۱۳۸۴): «معابد آیین جاینایا در هند: ظهور زبانی متمایز در معماری

و مناسک آیینی»، جولیا هگه‌والد (Julia Hegewald)؛

- ۲۳ نوامبر ۲۰۰۵ (۲ آذر ۱۳۸۴): «به نام مردگان: چگونه انقراض تقریبی لاشخورها در

هند مناسک پارسیان را تهدید می‌کند؟»، مالکوم اسمیت (Malcolm Smith)؛

- ۲ دسامبر ۲۰۰۵ (۱۱ آذر ۱۳۸۴): «جنبه‌هایی از شاهنامه»، کریستینه فون رویمبکه

(Christine von Ruymbeke).

• انتشارات مرکز پژوهشی «جهان ایران و هند»

- ایران باستان، فیلیپ هویزه

(*La Perse antique*, Paris: Les Belles Lettres, 2005, 298 pp.)

- مقالاتی در زمینه تاریخ و جغرافیای تاریخی شاهنشاهی ساسانی، گروه مطالعات تمدن

خاورمیانه، زیر نظر ریکا گیزلن

(*Contributions à l'histoire et la géographie historique de l'Empire Sas-*

sanide, Leuven: Peeters, 2004 [2005], 190 pp.)

- پاره‌های اشعار تری، ترجمه از پالی، معرفی و شرح از دانیل ماسه

(*Therigâthâ*, Axford, 2005, 240 pp.)

برای سفارش این کتاب می‌توانید به نشانی اینترنتی زیر مراجعه کنید:

www.palitext.com

- اسکندر بزرگ در ایران: داراب‌نامه ابوطاهر طرسوسی، ترجمه و شرح از مارینا گایار
(*Alexandre le Grand en Iran: le Dârâb Nâmeh d'Abu Tâher Tarsusi*,
Paris: De Boccard, 2005, 435 pp.)

• کارگاه آموزشی دوران باستان و معاصر

مرکز مطالعات علوم انسانی دانشگاه استنفورد امریکا، در سال تحصیلی ۲۰۰۵-۲۰۰۶، کارگاهی آموزشی با عنوان «دوران باستان و معاصر» برگزار کرد. هدف از برگزاری این کارگاه بررسی چگونگی درک و در واقع پیدایش اندیشه مطالعه دورانهای بسیار متقدم در میان اروپاییان و امریکاییان بود. در این کارگاه، با واکاوی ابعاد مادی و فرهنگی و فکری بررسی دوره باستان، بیشتر به معنای گذشته به تعبیر امروزی آن پرداخته شد. منظور از دورانهای بسیار متقدم در این کارگاه فرهنگهای حاشیه دریای مدیترانه از دوران پیش از تاریخ تا تقریباً ۵۰۰ ق م بود، فرهنگها و تمدنهایی چون یونان، روم، مصر/شمال آفریقا و خاورمیانه.

اعضای هیئت علمی برگزارکننده این کارگاه جووانا چزرانی (Giovanna Ceserani)، پائولا فیندلن (Paula Findlen)، و کارولین وینترر (Caroline Winterer) بودند و دانش‌آموختگانی که در این برنامه مشارکت داشتند عبارت بودند از لورا فاکس جوردن (Laura Fox Jordan)، مگ بانلر (Meg Butler)، و لیدیا بارنت (Lydia Barnett).

• کارگاه آموزشی مقدونیان و آناتولیای در اواخر دوران برنز

دانشگاه کونکوردیای کانادا در ۴ و ۵ ژانویه ۲۰۰۶ (۱۴ و ۱۵ دی ۱۳۸۴) کارگاهی آموزشی با عنوان «مقدونیان و آناتولیای در اواخر دوران برنز: مسئله Ahhijawa^۱» برگزار کرد. هدف از برگزاری این کارگاه آموزشی ارائه تفسیری تازه از سند حتّی (هیتی) KUB 26.91 بود که ظاهراً نامه‌ای است از یک پادشاه مقدونی (شاید پادشاه تپس) به پادشاه حتّیان (هیتیان)، و نیز ارزیابی دوباره نگرشهای کنونی در مورد یونان مقدونی و روابط متقابل مقدونیان با آناتولیای در اواخر دوران برنز، و به خصوص بررسی مسئله برتری سیاسی تپس مقدونی در قرن سیزدهم پیش از میلاد.

۱. نام منطقه‌ای احتمالاً واقع در غرب حتّی (هیتی) که هنوز مکان آن موضوع بحث است و مشخص نیست متعلق به یونان بوده یا آسیای صغیر. منتهای مربوط به این منطقه به خط میخی و متعلق به قرنهای ۱۵ تا ۱۳ پیش از میلاد است.

باستان‌شناسان، تاریخ‌نگاران، زبان‌شناسان و نسخه‌شناسانی که در این کارگاه آموزشی شرکت داشتند همگی از برجسته‌ترین پژوهشگران در حوزه مطالعات روابط متقابل مقدونیان و حتیان بودند و بر موضوع محوری موقعیت تبس براساس اسناد مقدونی که به‌تازگی منتشر شده و نیز قرائت جنجالی و بحث‌انگیز فرانک استارک (Frank Starke) از سند حتی KUB 26.91 تمرکز داشتند. این کارگاه آموزشی با همکاری انجمن علوم اجتماعی و پژوهشهای علوم انسانی کانادا و مؤسسه پیشاتاریخی منطقه دریای اژه برگزار شد و دبیر آن آنت تفتلر (Annette Tefeteller) بود.

• همایش پیدایش جهان هلنی در دانشگاه ادینبورو

مدرسه تاریخ و ادبیات باستان دانشگاه ادینبوروی اسکاتلند از ۲۴ تا ۲۶ فوریه ۲۰۰۶ (۵ تا ۷ اسفند ۱۳۸۴) همایشی برگزار کرد با عنوان «پیدایش جهان هلنی» با حضور برجسته‌ترین دانشمندان این حوزه. در این همایش، دگرگونیهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی سالهای آغازین دوره هلنی (۳۲۳-۳۳۰ ق م) و دامنه این دگرگونیها به دنبال فتوحات اسکندر بررسی شد: تشکیل پادشاهیهای جدید، تأسیس شهرهای تازه‌ای چون اسکندریه و انتاکیه، ظهور حامیان تازه‌ای برای هنر و ادبیات، و تحمیل قرانین یونانی-مقدونی بر مصریان و ایرانیان.

دبیر همایش اندرو اسکین (Andrew Erskine) و دبیر اجرایی آن جیل شاو (Jill Shaw) بودند.

• همایش یک‌روزه «جهان ایران باستان» در امریکا

دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتن در ۱۸ مارس ۲۰۰۶ (۲۷ اسفند ۱۳۸۴) میزبان همایشی یک‌روزه بود با عنوان «جهان ایران باستان: باستان‌شناسی، تاریخ و دین در دوره هخامنشی». برگزارکنندگان این همایش عبارت بودند از بخش تاریخ دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتن، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی این دانشگاه، مؤسسه ایرانیکا، مرکز فرهنگی ایران آرنج کانتی، و بنیاد خانوادگی رستگار.

این همایش در سه نشست با عناوین زیر برگزار شد: «ایرانیان دوره هخامنشی: از دیدگاه ملی و دیدگاه غربیان»، «جهان مذهبی ایرانیان» و «در جستجوی ایرانیان هخامنشی».

مراسم افتتاحیه این همایش با سخنان توماس کلامر (Thomas Klammer)، رئیس دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتن آغاز شد. سپس تورج دریایی، استاد تاریخ باستان همین دانشگاه، در مورد «ایران هخامنشی در تاریخ جهان» سخن گفت. نشست نخست این همایش در بردارنده موضوعات زیر بود: «جلوه‌گر شدن آسیا: تحلیلی بر دوگانه یونانی / بربری

در ادبیات یونانی»، جیمز هرینگتن (James Harrington)؛ «برداشت غلط از هخامنشیان: تصویر سینمایی‌شده ایران باستان»، وارن سوارد (Warren Soward)؛ «دین ایران پیش از بردیا: ملاحظاتی در باب کتیبه بیستون»، خداداد رضاخانی.

مقالات ارائه‌شده در نشست دوم عبارت بود از: «اشخاص بلندمرتبه و تربیت‌شده‌های اشرافی برای دست یافتن به جاه و جلال: نگاه بیرونی امروزیان به باورها و کردارهای هخامنشیان»، جنیفر رز (Jennifer Rose)؛ «شاهان هخامنشی چه وقت به مرتبه خدایگانی می‌رسند: روایات رایج در فارس/پارسه پس از این سلسله»، تورج دریایی.

در نشست سوم این همایش نیز مقالات زیر ارائه شد: «بردیا و گئوماتا و مسئله جانشینی در اوایل شاهنشاهی هخامنشی»، رحیم شایگان؛ «در جستجوی ایرانیان پیش از شاهنشاهی هخامنشی»، کامیار عبدی؛ «باستان‌شناسی دوره هخامنشی: یک ارزیابی»، علی موسوی. این همایش با جمع‌بندی تورج دریایی، دبیر همایش، به کار خود خاتمه داد.

• همایش شرق و غرب در دانشگاه پرینستون

به افتخار گلن و. باورساک (Glen W. Bowersock) و به مناسبت بازنشستگی او از مدرسه مطالعات تاریخی، مؤسسه مطالعات پیشرفته، روز جمعه ۷ آوریل ۲۰۰۶ (۱۸ فروردین ۱۳۸۵) دانشگاه پرینستون آمریکا میزبان همایشی بود با عنوان «شرق و غرب». از جمله سخنرانهای ایرادشده در این همایش می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

«تاریخ و مردم‌شناسی در آگاثارخیدس»، والتر آمالینگ (Walter Ameling)؛ «نند رومیایی از امپریالیسم روم»، میریام ت. گریفین (Miriam T. Griffin)؛ «خطابه‌های هومر به شاگردانش»، رابرت ج. پنلا (Robert J. Penella)؛ «بقای صوفیان»، کریستوفر پ. جرنز (Christopher P. Jones)؛ «خیرات و زندگی پسین: عقیده مانویان درباره یکی از رسوم مسیحیان متقدم»، پیتر براون (Peter Brown)؛ «از پترا تا اورشلیم... و برعکس!»، موریس سارتر (Maurice Sartre).

• منابع جدید وب‌گاه ساسانیکا

بخشی از اثر توفیلاکت سیموکاتا (Theophylact Simocatta) که درباره ایرانیان است، همراه با شرح و تفسیر، در کتابخانه وب‌گاه ساسانیکا، پایگاه اینترنتی دانشگاه کالیفرنیا در مطالعات دوره ساسانی، به نشانی زیر در دسترس قرار گرفته است:

• سخنرانی عباس دانشوری در مجموعه سخنرانیهای ساسانیکا

در ۱۷ مه ۲۰۰۶ (۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۵) ساسانیکا میزبان عباس دانشوری، استاد هنر اسلامی در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، لس آنجلس بود که در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتن به صحبت درباره «امتزاج هنر اواخر دوره ساسانی با هنر سامانیان در اوایل دوره اسلامی» پرداخت.

• سخنرانی تابستانی فرهنگستان بریتانیا

فرهنگستان بریتانیا روز پنجشنبه ۲۹ ژوئن ۲۰۰۶ (۸ تیر ۱۳۸۵) میزبان لوید ریجن (Lloyd Ridgeon) از دانشگاه گلاسکو بود که با موضوع «زورخانه میان سنت و تحول» ("The Zurkhaneh between Tradition and Change") به صحبت پرداخت.

ریجن استاد مطالعات اسلامی، جنبشهای قرون ۱۹ و ۲۰ میلادی و تصوف در گروه الهیات و ادیان دانشگاه گلاسکو است. از جمله آثار وی می توان به عناوین زیر اشاره کرد: عرفان و فلسفه نظری ایران (۲۰۰۲)، دینهای بزرگ جهان (۲۰۰۲)، «دین مسیح و یهود در آثار جلال الدین رومی»، در مجموعه مقالات مسیحیت در نگرش اسلامی (۲۰۰۱)، «شیطان از نگاه صوفیان»، در مجله *Iran* (۱۹۹۸).

• همایش بررسی فرهنگ مندایی در آکسفورد

بیست و پنجمین همایش بین المللی انجمن مطالعات سوریه و میانرودان (آرام) از ۳ تا ۵ ژوئیه ۲۰۰۶ (۱۲ تا ۱۴ تیر ۱۳۸۵) با موضوع «منداییان» در مؤسسه خاورشناسی دانشگاه آکسفورد برگزار شد. این همایش ظهر روز یکشنبه ۳ ژوئیه با نمایش مراسم غسل تعمید منداییان در رودخانه تیمز در آکسفورد آغاز و مقاله های علمی در روزهای چهارم و پنجم ژوئیه ارائه شد. نمایش ویژه فرهنگ مندایی بخشی از این همایش بود. مقالات ارائه شده در این همایش در شماره آینده نشریه ادواری آرام منتشر خواهد شد.

«آرام» انجمنی مستقل و غیرسیاسی است که به مطالعه همه جنبه های فرهنگی سوریه و بین النهرین (میانرودان) می پردازد. این انجمن نام خود را وامدار «آرامیان» است که کانون فرهنگی بین النهرین باستان را تشکیل می دادند. با این حال، «آرام» تنها فرهنگ و تمدن آرامی را مد نظر ندارد و هدف آن پرداختن به همه فرهنگهای ناحیه سوریه و بین النهرین (یا هلال حاصلخیز) است که متأثر از فرهنگ آرامی بوده اند، و نیز مطالعه تمام موضوعات مربوط به فرهنگهای سوریه و بین النهرین از آغاز تاریخ تا امروز.

• همایش بررسی مانویان و زنادقه در آثار عربی و اسلامی در آکسفورد بیست و ششمین همایش بین‌المللی انجمن مطالعات سوریه و میانرودان (آرام) ۶ و ۷ ژوئیه ۲۰۰۶ (۱۵ و ۱۶ تیر ۱۳۸۵) با موضوع «مانویان و زنادقه در آثار عربی و اسلامی» در مؤسسه خاورشناسی دانشگاه آکسفورد برگزار شد. هدف از برگزاری این همایش گرد هم آوردن دانشمندانی بود از سراسر جهان با گرایش خاص نسبت به حرکت‌های عرفانی خاور نزدیک در هزاره اول میلادی، به خصوص مانویان و آنان که در متون متقدم اسلامی و عربی زندیق (زنادقه) خوانده شده‌اند. همه مقاله‌های ارائه شده در این همایش در شماره آینده نشریه ادواری آرام منتشر خواهد شد.

• انتشار دفتر پنجم و ششم از جلد سیزدهم دانشنامه ایرانیکا با انتشار دفتر پنجم و ششم از جلد سیزدهم دانشنامه ایرانیکا در پاییز ۱۳۸۵، این جلد از مجموعه کامل شد. بخش‌های باقیمانده از مجموعه مقاله‌های اصلی مدخل «ایران» که شامل ۱۱ مقاله است و از دفتر دوم آغاز شده بود، در دفتر پنجم به پایان رسید. مقاله‌های مهم دیگری همچون «هویت ایرانی» (۵ مقاله)، «عراق، مناسبات با ایران» (۱۲ مقاله) و «اصفهان» (۶ مقاله از مجموع ۲۰ مقاله) در دفترهای پنجم و ششم آمده است.

علاوه بر اینها، بیش از ۳۰ مدخل نیز به جنبه‌هایی از تاریخ و فرهنگ ایران می‌پردازند. بخش‌های آخر از مجموعه مقاله‌های «ایران» شامل «ایران (بخش ۹)» و «مذهب در ایران» می‌شود که از دفتر چهارم آغاز شده بود و در دفتر پنجم کامل شده است. پس از آن «ایران (بخش ۱۰)»، «هنر و معماری ایران» و سرانجام «ایران (بخش ۱۱)» و «موسیقی ایرانی» آمده است.

آ. ر.

• ایران در اوایل دوره ساسانی سومین همایش یک‌روزه «ایده ایران» با حضور شش سخنران و به منظور بررسی گوشه‌هایی از مسائل آغاز دوره ساسانی تا میانه این دوره در تاریخ ۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ (۲۰ خرداد ۱۳۸۵) برگزار شد. برگزارکنندگان این همایش عبارت بودند از مؤسسه مطالعات خاورمیانه لندن، مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی، موزه بریتانیا و «بنیاد سودآور» که هزینه‌های آن را متقبل شده بود. عنوان و چکیده مقاله‌های سخنرانان به شرح زیر است:

«انگاره و هویت: شمایل‌نگاری و هنر دوره ساسانی»

پروودنس هارپر (بخش هنر خاور نزدیک باستان موزه متروپولیتن، نیویورک)

از اوایل دوره ساسانی دست‌ساخته‌ها، یادمانهای ملی، فرمانهای پادشاهان و اسناد شخصی مهور بسیار متنوعی برجا مانده است. این آثار شواهدی هستند گویای دغدغه‌ها و نحوه شکل‌گیری دولت تازه تأسیس ساسانی. رسوم و انگاره‌های ویژه‌ای در ابتدای این دوره رواج یافت که تجلی آنها در هنر برای درک ما از نحوه شکل‌گیری هویت سلسله ساسانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این دوره کشورهای متعددی به قلمرو ساسانی ملحق شدند و روابط بین ایران و سرزمینهای غربی و شرقی به سرعت گسترش یافت. حضور عناصر هنری خارج از این قلمرو در هنر ایرانی نیز عامل مهمی در تاریخ فرهنگی این سلسله به شمار می‌رود.

«مسکوکات اوایل دوره ساسانی»

مایکل الرم (موزه تاریخ هنر، وین)

در این مقاله، سکه‌های نخستین سده پادشاهی ساسانی (اردشیر اول تا هرمز دوم) بررسی می‌شود. طی این دوره، ساختار اصلی تشکیلات ضرب سکه در دولت ساسانی شکل می‌گیرد و رواج می‌یابد. تشکیلاتی که تقریباً تا پایان کار این سلسله در قرن هفتم میلادی بدون تغییر می‌ماند. نویسنده درصدد نشان دادن ارزش و وضعیت آگاهیهای مربوط به سکه‌شناسی و مواد و مصالح ضرب سکه و تطبیق آنها با شواهد باستان‌شناختی و نوشته‌های روی سکه‌ها و نیز نوشتارهای مضبوط است. در مورد ضرب سکه در اوایل دوره ساسانی دو مشکل عمده وجود دارد. یکی مسئله دوره‌بندی زمان ضرب انواع گوناگون سکه‌ها در قلمرو یک پادشاه و دیگری مسئله خود ضربخانه‌ها. نویسنده می‌کوشد تعداد ضربخانه‌هایی را که در آنها سکه ضرب می‌شده تعیین و آنها را شناسایی کند.

«طرح و نقشه شهر اردشیر خَرّه مبین نظریه اردشیر پاپکان در باب حکومت»

دیتریش هوف (مؤسسه باستان‌شناسی آلمان، برلین)

بنیان‌گذاری شهر اردشیر خَرّه به دست اردشیر پاپکان با قدرت گرفتن اردشیر در اوایل سده سوم پیش از میلاد ربط کامل دارد. انتخاب طرح دایره‌ای به جای طرح شطرنجی برای شهر را باید در این موقعیت و شرایط بررسی کرد. پژوهشهای باستان‌شناختی نشان داده‌اند که شهر صرفاً هسته اصلی یک نظام متمرکز تقسیم ارضی و مشرف بر کل دشت بوده است. بنای این نظام متمرکز، که برج «تربال» در مرکز آن واقع بوده، زهکشی دشت بوده است. شهر، برخلاف آنچه در وقایع‌نامه‌های باستانی آمده، زمین باتلاقی مسکونی‌شده نبوده. نقشه، گذشته از وجوه کاربردی و در کنار برخی ملاحظات دیگر، به روشن شدن مقاصد سیاسی اردشیر و اندیشه‌هایش درباره جامعه، دین و حکومت کمک می‌کند.

«ارتباط و نسبت سنت‌های دینی ایرانیان و بدعت در مسیحیت در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی»

بوری استویانف (مدرسه بریتانیایی باستان‌شناسی، اورشلیم)

این مقاله که با توضیحی کوتاه درباره مسئله بحث‌برانگیز تأثیر دین ایرانی بر انجیل و مسیحیت اولیه آغاز می‌شود مروری است بر شواهد حاکی از این تأثیر بر بدعت در مسیحیت در اواخر دوره اشکانی و اوایل دوره ساسانی. این بدعتها از تعالیم التقاطی گنوسی (به اضافه مورد کاملاً آشکار مانویت) تا مسیحیت و مجعولات مسیحی‌شده دوره باستان متأخر و احادیث یا روایات برآمده از آنها را در برمی‌گیرد. مقاله تمایزات و تشابهات اصلی میان این بدعتهای مسیحی و سنت‌های دینی ایرانی را آشکار می‌کند و نیز الزامات این ارتباط و نسبت را برای گذار از کژآیینی مسیحی در دوره ساسانی، که هنوز بسیاری از مسائل دینی و تاریخی‌اش حل نشده مانده، روشن می‌سازد.

«دین‌داری شاپور اول؟ در باب نقش دین در اوایل دوره ساسانی»

فیلیپ کراین بروک (دانشگاه گوتینگن)

اغلب تصور شده که نخستین شاهان ساسانی زردشتیانی مؤمن و استوار بوده‌اند و آن دین را احیا کرده‌اند و اگر نتوانستند آن را به شأن و منزلت و خلوص اولیه‌اش بازگردانند، دست‌کم سعی کردند به سنت زردشتی پایبند بمانند. شاپور اول در حالی که زردشتی بودن در دربار و کشور اهمیت بسزایی داشت با مانی، که به باور همگان زردشتی‌ای مؤمن نبوده، بیعت می‌کند، حال آنکه کرتیر، موبد برجسته زردشتی، موقعیت چندان شایسته‌ای نمی‌یابد. الزامات ضمنی برآمده از چنین وضعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از دلایل این بی‌توجهی این است که منابع موجود تصویری کمابیش یکدست از سیاست‌های دینی در اوایل دوره ساسانی به دست می‌دهند. تا مدت‌ها این‌گونه تصور می‌شد که این منابع حاوی و حاکی از واقعیت‌اند و به پیشبرد دعاوی روحانیان زردشتی کمک می‌کنند، و نه منابعی گویای تلاش برای فراهم آوردن یک روایت از تاریخ برای اثبات دعوی ساسانیان برای کسب قدرت. به نظر نویسنده مقاله، اگر به این منابع با این دید نگریسته شود، برخی از جنبه‌های تحولات دینی در ایران دوره ساسانی به گونه‌ای دیگر بازنمایانده می‌شود.

«شاه شاهان 'که چهار از یزدان دارد': اندیشه پادشاهی در اوایل دوره ساسانی»

تورج دریایی (دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون)

از آغاز سلطنت اردشیر اول (۲۴۰-۲۴۴ ق م) شاهان ساسانی القاب و عناوین مهمی برای خود برمی‌گزیدند. از جمله، شاهان شاه، مزداستوده، ایزد/سرور، و او 'که چهار از یزدان دارد'. نویسنده این مقاله می‌کوشد اصل و منشأ پیدایش این عناوین را که از زمان اردشیر اول تا اوایل قرن چهارم میلادی رواج داشته روشن و تبیین کند و می‌گوید که انتخاب این عناوین ترکیبی بود از اندیشه

ایرانی در باب سلطنت در نزد هخامنشیان به واسطه حاکمان محلی (شاه شاهان) و نیز سنت دینی زردشت (سرور مزداستوده) و اندیشه یونانی ماب در باب پادشاهی (از نژاد خدایان/ایزدان). نکته مهم اینکه ساسانیان صرفاً به احیای سنت هخامنشیان دست نزدند بلکه همه سنتهای موجود در نجد ایران را، که مفهومی سه وجهی (ایرانی، زردشتی، یونانی) از پادشاهی پدید آورده بودند، به کار گرفتند.

• کنفرانس مطالعات ایران شناسی

ششمین کنفرانس دوسالانه مطالعات ایران شناسی از ۳ تا ۵ اوت ۲۰۰۶ (۱۲ تا ۱۴ مرداد ۱۳۸۵) در لندن برگزار شد. بنیاد میراث ایران، انجمن بین المللی مطالعات ایرانی، مؤسسه خاورمیانه لندن، و بنیاد فرهنگی ایرانیان برگزارکنندگان این کنفرانس بودند و محققانی در همه حوزه های مطالعات مربوط به جهان ایرانی از سراسر جهان در این کنفرانس شرکت کرده بودند. گذار از جامعه روستایی، تاریخ و هنر باستان، سامی/بابی ستیزی، باستان شناسی، مناسبات صفویان با مسیحیت، سینما، روحانیت و مسائل دینی، فرهنگ و سیاستهای فرهنگی، روابط ایران با شرق دور، جمعیت شناسی، زندگی در تبعید و دوری از وطن، اقتصاد، رشد و توسعه، آموزش، جنسیت، جغرافیا، تاریخ نگاری ایلخانان، حیات روشنفکری، اینترنت، زبان، ادبیات (کلاسیک، معاصر، عرفانی، افسانه ای)، سازمانهای غیردولتی، دوره پهلوی، فرهنگ سیاسی و سیاست، افکار عمومی، قاجاریه، بازسازی، مناسبات ایران و روسیه، صفویه، سلجوقیان، علوم و تکنولوژی (باستان و معاصر)، سکولاریسم، تحولات شهری، و ادیان غیر از اسلام موضوعاتی بودند که سخنرانان بیش از ۳۰۰ مقاله به آنها اختصاص داده بودند. در حاشیه این سخنرانیها جلساتی به بحث در مورد مسائل روز ایران و نیز نمایش فیلمهای مستندی که کارگردانان ایرانی و غیرایرانی در داخل یا خارج از ایران ساخته بودند اختصاص یافت.

عناوین و چکیده مهم ترین مقالات حوزه فرهنگ، تاریخ و هنر ایران باستان که در راهنمای نسبتاً مفصل این کنفرانس ارائه شده در زیر آمده است:

«دستنویسهای مصور شاهنامه در کتابخانه ملی روسیه و نسخه های دیگر آن در خارج»
فیروز عبدالله اوا (دانشگاه آکسفورد، انگلستان)

مجموعه کتابخانه ملی روسیه حاوی نسخه های متعدد شاهنامه است که در قرنهای چهاردهم تا نوزدهم میلادی/هفتم تا دوازدهم هجری استنساخ و در گستره ای وسیع، از تبریز تا هند، تدوین شده اند. این مقاله خصوصاً به بررسی دو دستنویس از این مجموعه پرداخته: سومین نسخه مصور قدیمی به تاریخ ۱۳۳۳ م که با نسخه قدیمی تر موزه توپقاپی استانبول مقایسه شده و دیگری نفیس ترین نسخه متعلق به قرن هفدهم در این مجموعه.

«ارشک چهارم (حکومت ۱۶۸-۱۷۰ ق م) اولین شاه اشکانی فراموش شده»

فرهاد آثار (دانشگاه آکسفورد، انگلستان)

این مقاله شواهدی می‌آورد تا نسب‌شناسی ناقص ژوستن را در مورد شاهان اولیه اشکانی اصلاح کند و نشان می‌دهد که چگونه ژوستن سلطنت ارشک چهارم را از قلم انداخته است.

«تاج شاهی، هاله نور، پافزار قرمز و سربند: نشانه‌ها و آداب درباری همچون واسطه‌ای بین فرهنگی میان رومیان و ساسانیان»

ماتیو کانه‌پا (کالج کارلستون، امریکا)

از میانه سده سوم میلادی، آداب و رسوم و تشریفات دربارهای روم و ایران با به کار گرفتن چند عنصر اصلی به گونه‌ای روزافزون همانندی می‌یافت. این عناصر اصلی‌ترین نشانه‌های سلطنت، از جمله مظاهری چون تاج شاهی، هاله نور، پافزار قرمز، کرنش در برابر شاه، و استفاده آیینی از سربند، و سکوت در محضر شاه حاکم را شامل می‌شده است. تلاش برای گشودن کلاف این ماجرا بس دشوار است، به ویژه آنکه منابع رومی ادعا می‌کنند که همه این آداب و تغییراتی که در ظواهر امپراتورشان پدید آمده عنصری کاملاً وارداتی و برگرفته از آداب و رسوم دربار ساسانی بوده است که البته مورد تأیید اسناد و شواهد مصور موجود در قریب به اتفاق منابع نیست. پژوهشهای جدید که هرگونه تبادلی را یکسره رد می‌کنند. تا وقتی که آلفولدی در ۱۹۳۴-۵ مقالاتش را منتشر ساخت، ملاحظات پیشین در این باره تا حد زیادی ناشی از مشکلی اساساً فرهنگی قلمداد می‌شد و بر آن بودند که هر عنصر خاص در دربار یا عنصری صرفاً ایرانی بوده یا عنصری صرفاً رومی. نویسنده این مقاله در تحقیقات تازه‌اش و بررسیهایی که در اسناد کرده به این نتیجه رسیده که اهمیت اساسی این همانندیها در وجه تشریفات آنها بوده و انگیزه‌های نهفته در پیدایش و رواجشان عمدتاً در کارکرد مبادلاتی‌شان همچون میانجیهای بینا فرهنگی بوده است. هر دو دربار ویژگیهایی چون کرنش کامل یا کفش قرمز را برجسته می‌کردند زیرا چنین عناصری در منازعه دو دربار بر سر برتر جلوه کردن یا همانندی با یکدیگر تأثیری بسزا داشت. این عناصر به همین دلیل میانجیهای کارآمدی بودند در فهم اندیشه‌های مرتبط با قدرت و مشروعیت به زبان مجادلات بین فرهنگی. این رضع برآمده از فرایندی پیچیده بود که در آن، هر تحول بومی در هر یک از این فرهنگها لایه‌ای از تفسیر بینا فرهنگی می‌یافت. نویسنده می‌گوید که دربارها اغلب به تشریفات و آداب و رسوم بومی‌شان معنای تازه بینا فرهنگی می‌بخشیدند و در عین حال دو کشور به منازعه و رقابت در زمینه‌های مشترکشان در روابط رسمی سیاسی یا در درک و دریافته‌شان از تصویری که از خود در ذهن داشتند یا در ملازمت با پادشاه متبوعشان می‌پرداختند.

«تحول دستنویس وندیداد اوستایی و پهلوی»

آلبرتو کانترا و میگل آنخل آندرس تولدو (دانشگاه سالامانکا، اسپانیا)

این جستار درباره تصحیح جدیدی از وندیداد اوستایی و پهلوی است. این چاپ جدید مجموعه‌ای است از دستنویسهای وندیداد که به صورت دیجیتالی درآمده‌اند. این دستنویسها و شیوه جدید ارائه آن نشان داده که نسخه اوستایی وندیداد منبع موثقی نیست و پژوهشهای شجره‌شناختی گلدنر درباره وندیداد نیاز به بررسی مجدد دارد. نویسندگان مشخصات دستنویسهای گردآمده و بن‌نوشت‌های آنها را توضیح داده و کوشیده‌اند شجره‌نامه‌ای تازه و قابل اعتمادتر برای این اثر به دست دهند و برای کسب اطلاعات بیشتر در این باره به پایگاه اینترنتی www.videvdad.com ارجاع داده‌اند.

«از خسرو اول تا خسرو دوم: تأملاتی در خط پهلوی متأخر»

کارلو چرتی (دانشگاه رم، ایتالیا)

از دستاوردهای بزرگ فرهنگی ساسانیان یکی هم ابداع خط اوستایی برگرفته از خط پهلوی متأخر بود. پیش از این، محققان برجسته‌ای چون هنینگ، هوفمان و اخیراً نیز کلنز به این موضوع پرداخته‌اند. نویسنده در مقاله خود همه شواهد لغت‌شناختی و کتیبه‌نگاشتی‌ای را که تاریخشان به ابداع خط پهلوی مربوط می‌شود مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که زمان ابداع این خط را باید سالهای آخرین شاهنشاهی ساسانی دانست.

«شناسایی مجسمه مرد پارتی شامی»

محمد رضا چیت‌ساز (دانشگاه الزهرا)

مجسمه مرد پارتی یک‌دست بزرگترین مجسمه فلزی انسان از دوره باستان است که در موزه ایران باستان ایران نگهداری می‌شود و از لحاظ اندازه و ابزار با مجسمه ملکه ایلامی ناپیر-آشو در موزه لوور فرانسه برابری می‌کند. این مجسمه در ۱۹۳۴ م/ ۱۳۱۳ ش در شامی (کل چنارا)، روستایی واقع در ایذه در استان خوزستان، یافته شد. مطالعات متعددی درباره این مجسمه باستانی صورت گرفته اما هنوز در مورد هویت شخصی که مجسمه‌اش ساخته شده اتفاق نظر حاصل نشده است. براساس مطالعات سکه‌شناختی دوره پارتی و بررسی نقش برجسته‌های این دوره، مشابهتی با یکی از شاهان ایلامی تشخیص داده می‌شود. همچنین محل یافته شدن مجسمه شامی هم اهمیت دارد زیرا در آن منطقه معبدی مهم وجود داشته که آنتیخوس سوم و بعدها آنتیخوس چهارم آن را تسخیر کرده بودند و در اواخر دوره مهرداد اول بازپس گرفته شده است. با این توضیحات و برپایه مطالعه دقیق منابع متأخر، نویسنده سعی دارد هویت فردی را که مجسمه ملهم از اوست شناسایی کند.

«گل آذین هشت‌پر: نمادی احتمالاً مهم در نسب‌شناسی ساسانی»

ماتیو کومپارتی (ایتالیا)

ستاره هشت‌پر به شکل گل، نماد ستاره‌شناسانه‌ای است که از دوره باستان در هنر خاور نزدیک بسیار به چشم می‌خورد. از آنجا که این نماد هم بر شانه بعضی شاهان و دست‌کم در یک مورد بر جامه یک بانوی درباری دیده می‌شود، احتمالاً در ایران دوره ساسانی معنای خاصی داشته است. نقش ستاره هشت‌پر اخیراً نیز در بافته‌ای منسوب به دوره ساسانی که در آن نگهداری می‌شود به وضوح در تصویر شاهی سوار بر اسب همراه با ملازمانش دیده شده است. شواهد متنی نیز در ادبیات ساسانی وجود دارد که حاکی از اهمیت ستاره هشت‌پر منقوش در این بافته است. نویسنده با بررسی این آثار درصدد شناسایی ستاره هشت‌پر در حکم نمادی مهم، به ویژه نمادی سلطنتی، در هنر ساسانی است.

«ریشه‌ها و تحول ادبیات حماسی ایران»

غزال دبیری (دانشگاه کالیفرنیا، امریکا)

مقاله به بررسی شکل‌گیری و تحول ادبیات حماسی ایران از آغاز دوره اسلامی تا اواخر سده سیزدهم م/هفتم هـ ق اختصاص دارد. به نظر نویسنده مقاله، ریشه‌های این نوع ادبی در دو نهضت همزمان نهفته است: یکی نهضت ترجمه که تواریخ ایران دوره میانه و نیز اندرزنامه‌های موجود در عربی و بعدها در فارسی نو بر پایه آن استوار است، و دوم نهضت اقتباس که تلاش ادبی سنجیده و آگاهانه‌ای بوده برای به کار گرفتن شعر همچون ابزار بیان. آثار فردوسی، نظامی و عطار نمونه‌ای است از شکل‌گیری ادبیات حماسی بر اثر این دو نهضت. فردوسی تواریخ منشور را برای خلق یک حماسه تاریخی به کار گرفت، حال آنکه نظامی و عطار هر یک به شیوه خود و به درجات مختلف تواریخ و اندرزنامه‌ها را در تالیف حماسه‌های عاشقانه و سالکانه به کار گرفتند. این مقاله به اجمال تأثیراتی را بررسی می‌کند که ترجمه متون از عربی به فارسی نو در شکل‌گیری ادبیات حماسی داشته است. همچنین در این مقاله، به منظور کشف نحوه ظهور و تحول حماسه ایرانی، ساختار و سبک آثار این سه شاعر و نیز شیوه‌ای که ایشان از عناصر ادبیات شفاهی و مکتوب اقتباس کرده‌اند بررسی شده است.

«برآمدن و سرآغاز دوره اردشیر بابکان»

تورج دریایی (دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون، امریکا)

موضوع برآمدن اردشیر (حکومت ۲۴۰-۲۲۴ م) و پیدایش شاهنشاهی ساسانی از مسائلی است که مورخان دوره باستان متأخر با آن روبه‌رو هستند. این مشکل نه به سبب کمبود منابع که بیشتر

ناشی از پیچیدگی و آشفتگی این دوره تاریخی است. حوادث نخستین دهه سده سوم میلادی کاملاً بر ما مکشوف نیست اما می‌توان با تکیه بر شواهد موجود به کیستی اردشیر و اینکه چگونه در صحنه سیاسی فلات ایران ظاهر شده پی برد. نویسنده می‌کوشد نشان دهد که اصل و نسب اردشیر در مرتبه‌ای نیست که در منابع آمده است و اینکه این نوحاسته چگونه برای کسب مشروعیت سیاسی منابع را دستکاری کرده است. این مقاله همچنین نشان می‌دهد که پایگاه نظامی اردشیر بسیار دورتر از استخر، مرکز ایالت فارس، بوده و این بدان معنی است که اردشیر در بهترین صورت نوحاسته‌ای محلی از حواشی آن ایالت بوده است؛ مضافاً اینکه برگزیدن کنیه ساسان برای خود شاهد دیگری است که اصالت خاندان وی را با تردید روبه‌رو می‌کند.

«انتخابهای اخلاقی در شاهنامه»

آگام دیویدسن (کالج ولزلی، امریکا)

این مقاله دو وضعیت حماسی را در شاهنامه فردوسی بررسی کرده است، دو وضعیتی که در آنها، قهرمان داستان با انتخابی اخلاقی روبه‌رو می‌شود. به رغم این واقعیت که بنای شعر شاعر در شاهنامه بر اقتدار شاهانه استوار است، در هر دو داستان رستم و اسفندیار و داستان سیاوش، اصل وفاداری به شاه در برابر اصول اخلاقی دیگر رنگ می‌بازد.

«بوران ملکه ساسانی و دیگر حاکمان زن در عصر او»

هاله عمرانی (دانشگاه کالیفرنیا، امریکا)

بین سالهای ۶۰۰ تا ۹۰۰ م دوره‌هایی وجود دارد که در آنها، زنان مقتدری در مقام همسر، مادر، جنگجو و قدیس در مسائل سیاسی و اجتماعی نقاط مختلف جهان تأثیر می‌گذارند. در این مقاله، به تخت نشستن بوران ملکه ساسانی با موقعیت دیگر زنانی که در همسایگی ایران به سطوح بالای قدرت سیاسی رسیده بودند مقایسه شده است؛ کسانی نظیر تئودورای اول امپراتریس بیزانس، هندالحره ملکه سوری، عایشه همسر محمد (ص)، و خاتون بخارا در آسیای مرکزی. نویسنده درصدد است نشان دهد چگونه این زنان در حوزه اجتماعی و سیاسی نقشی برای خود قائل شدند که به باور جهان آن روز به مردان تعلق داشته است.

«آذربایجان در اوایل دوره ساسانی: تحقیقی در جغرافیای اداری»

مهرداد قدرت دیزجی (دانشگاه ارومیه)

آذربایجان در اوایل قرن سوم میلادی از سرزمینهایی بود که بر اثر جنگهای فرسایشی اشکانیان با روم بسیار تخریب شد. با قدرت گرفتن ساسانیان زردشتی، این ناحیه که پیشینه‌ای طولانی در زردشتی‌گری داشت، بخشی از قلمرو ساسانیان شد. در واقع، هم منابع سریانی و هم منابع عربی

و نیز حوادث متعاقب آن مؤید پیروی آذربایجان از اردشیر اول، بنیان‌گذار سلسله ساسانی، است. اردشیر بر آخرین شاه اشکانی در ماد غربی پیروز می‌شود و سپس آذربایجان را بدون زحمت به چنگ می‌آورد و به مناسبت پیروزی‌اش دستور می‌دهد بر صخره‌ای در سلماس یادمانی کنده شود. پس از وی، شاپور اول مجدداً حاکمیت ساسانیان را بر آذربایجان تحکیم می‌کند و پس از پیروزی بر رومیان، فتوحاتش را با تصرف ارمنستان، استان شمالی آذربایجان، پی می‌گیرد. از این پس، ارمنستان به واسطه حاکمیت شاه پارتی‌اش از در خصومت با ساسانیان درمی‌آید و نیز به سبب گرویدن ارمنستان به دین مسیحی و همچنین ادعای روم بر ارمنستان، آذربایجان یکی از مهم‌ترین استانهای وجه المنازعه ایران و روم می‌شود. بنابراین، آذربایجان به پایگاهی دینی و سیاسی و نظامی برای ساسانیان تبدیل می‌شود. نویسندگان جغرافیای تاریخی منطقه را چنین توصیف می‌کنند و حدود و ثغور مرزهای آذربایجان را در دوره‌های متفاوت این برهه تاریخی نشان می‌دهد و می‌گوید که احتمالاً آذربایجان مهم‌ترین استان ساسانیان، و ظاهراً حتی مهم‌تر از استان پارس، بوده است.

«ببر بیان رستم»

یوکا کادوی (دانشگاه ادینبورو، اسکاتلند)

در تصویرنگاریهای شاهنامه، رستم قهرمان افسانه‌های ایرانی با پوستینی پلنگینه که به تن می‌کرده از دیگران متمایز می‌شود. نقش پوستین راه‌راه او کلیشه‌ای تصویرنگارانه در شاهنامه است. اما در مورد اهمیت آن در تاریخ هنر هنوز کاملاً تحقیق نشده است. نویسنده مقاله نحوه رواج طرح پوستین رستم را بسیار جالب توجه می‌داند و می‌نویسد که نمونه‌های مشابه سغدی این‌گونه طرح، که طرحی است با نقطه‌های متعدد بر آن، در پنج‌گانه یافته شده است. از روی برخی از تصاویر به‌جامانده می‌شود فهمید که در اوایل سده چهاردهم میلادی، این نقطه‌ها به خطوطی مواج تبدیل شده‌اند که مأخوذ از نقش پوست ببر یا پلنگ بوده است. آن‌گونه که از شیوه‌های تزیینی و تصویری در ایران برمی‌آید، این طرحهای طبیعی بعدها به صورت تصنعی با طرحهای دیگر ترکیب و در طراحی پارچه و لباس به کار گرفته می‌شود. جالب آنکه این طرح به تدریج تغییر یافته و به ترکیبی غریب از نقش مایه‌های مواج و جواهرات سرخ‌فام ملهم از بودیسم تبدیل شده است. طرحی که بعدها در هنر عثمانی نیز یافته می‌شود. نکته درخور توجه دیگری که نویسنده به آن اشاره می‌کند تدقیق در نقش پوستین یا پوشینه ساخته شده از پوست پلنگ در تحول شمایل‌نگاری شاهنامه است که به‌ویژه با مسئله مشروعیت ارتباط می‌یابد. این لباس در واقع تجلی دلیری رستم است که سالیان دراز محبوب و ملتزم فرمانروایان و حاکمان بوده است. تحول و دگرگونی تصویر پلنگینه رستم [یا ببر بیان]، که سیری از فرارود دوران پیش از اسلام تا ترکیه عثمانی داشته است، از نشانه‌های چشمگیر تحول شمایل‌نگاری در جهان ایرانی است.

«اشعار ایرانی باستان: تشبیه در اوستا»
 ماریا کریتیکو (دانشگاه کالیفرنیا، امریکا)

شکل و زبان شعری در ادبیات هند و اروپایی و هند و ایرانی با انتشار آثار بسیاری در دهه اخیر به موضوع بسیار بحث‌برانگیزی تبدیل شده است، هرچند در این میان به بررسی جنبه‌های فنی صناعات شعر و به‌ویژه تشبیه کمتر پرداخته شده است. نویسندگان در این مقاله به مسئله تشبیه در اوستا پرداخته است. به نظری، کاربرد تشبیه، اگرچه در ریگ‌ودا یا ادبیات کلاسیک سنسکریت از صنایع اصلی شعر به شمار می‌رود، در اوستای متقدم دیده نمی‌شود. این فقدان به خصوص در گاهان تعجب‌برانگیز می‌شود زیرا ادبیات منظوم هند و ایران به لحاظ سبک و بیان بسیار به هم نزدیک و مرتبط‌اند. تشبیه در پیکره زبانی فارسی باستان نیز کاربرد ندارد، اگرچه این فقدان در مقایسه با گاهان کمتر تعجب برمی‌انگیزد. اما در اوستای متأخر تشبیه پدیدار می‌شود. نویسندگان تشبیهات موجود در اوستای متأخر را گرد آورده و درباره ساختار و ارزش ادبی آنها، هم در این آثار و هم در آثار منظوم هند و ایرانی، بحث می‌کند.

«پادشاهی و قدرت سلطنتی در جای-نام‌شناسی و انسان-نام‌شناسی ایرانی میانه»
 پاول ب. لوری (مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش)

این مقاله نحوه پیدایش و نقش عناوین رسی بلندپایگان یا خاندانهای سلطنتی (در استانهای ایرانی، ترک، چینی و غیره) را در «نام‌شناسی» سغدی، به‌ویژه در «جای-نام‌شناسی» بررسی می‌کند. گونه‌گونی عناوین در متون برجامانده گویای آن است که سغد زیر سیطره یک سلطنت واحد نبوده و اداره آن به صورت فدراسیونی از دولت‌شهرها بوده است. این گفته را منابع دیگر نیز تأیید می‌کنند. همانندیهایی برخی از واژه‌بن‌های سغدی مرتبط با قدرت سلطنتی با واژه‌های اُستی (و حروف و علائم واژه‌نگاری که آشکارا از واژه‌بن‌های سغدی وام گرفته شده‌اند) گواه حضور قشرهایی از قبایل ایرانی در پیدایش و گسترش نهادهای سلطنت در سغد است. جای-نامهای متعدد سغد و نواحی اطراف آن الگویی به دست ما می‌دهد: «لقب سلطنتی/ نام فرمانروا» + «شهر، اقامتگاه». در نتیجه، حاکمان پی‌درپی شهرها را بر جای شهرهای قدیمی‌تر می‌ساختند یا تجدید بنا می‌کردند. چنین جای-نامهایی بیش از همه در ناحیه ناشکند و سمیرچیه رواج داشته است که از نواحی مهاجرنشین سغدیان بوده و جزو سرزمین اصلی نبوده و وجوه بااهمیتی از شهرنشینی در میان مهاجرنشینان و رابطه‌شان را با قبایل و ایلات اطراف نشان می‌داده است.

«نامهای زنان و القاب خاص در دوران هخامنشیان»

ولا ریمر (دانشگاه زوریخ، سویس)

پیش از این، امیل بنونیست (۱۹۶۶) و ماریا بروسیوس (۱۹۹۶) هم در این باره پژوهش کرده‌اند.

تنها زبانهای همجوار، مانند ایلامی و یونانی، است که پیکره‌ای از نامهای زنان و برخی اطلاعات اندک درباره القاب زنان را در اختیار می‌گذارد. البته تعیین صورت تلفظی این القاب بسیار دشوار است. نویسنده در این مقاله، ضمن بررسی تحول القاب زنان به کار رفته در کتیبه‌های ایلامی و بحث بر سر اینکه آیا اینها نام بوده‌اند یا لقب، به تدقیق و تطبیق درباره دو نام/لقب Abbanus و Irdabama می‌پردازد و احتمال می‌دهد گونه‌های مختلف نام‌شناسانه یک نام باشند. حال آنکه یک گونه که همواره اسم تلقی می‌شده است و معادل احتمالی ایلامی آن Ammassis بوده ممکن است برگرفته از یک لقب به معنی «زاده یک مادر» باشد.

«اشتراک در همسر: به پا خاستن مزدک و مسئله جانشینی»

خداداد رضاخانی (دانشگاه کالیفرنیا، امریکا)

نویسنده در این مقاله به تأثیرات اجتماعی-اقتصادی و مذهبی فراخوان به دین مزدکی پرداخته و تنها به یک وجه از «مرام» اشتراکی مزدکی توجه کرده است، یعنی مسئله اشتراک در همسر و تأثیر آن بر مسئله جانشینی ساسانیان. این وجه از مذهب مزدک نقطه ضعفی بود که در باریان ساسانی و روحانیان زردشتی بر آن انگشت گذاشتند. به هر حال، این جنبه از آموزه‌های مزدک به طور مستقیم به مسئله مشروعیت میراث‌بری مربوط می‌شد و همین وجه بود که در نبرد بر سر قدرت میان خسرو و برادرانش، کیوس و ژم، در پایان دوره سلطنت قباد بروز یافت. نویسنده می‌کوشد این نکته را توضیح دهد که برخی از جنبه‌های مبهم خیزش مزدک و از آن جمله گاهنگاری بسیار مخدوش آن را می‌توان با توجه به مسئله نزاع بر سر جانشینی قباد توضیح داد. بر این اساس، این مقاله قرائتی دقیق‌تر درباره این موضوع در منابع موجود به دست می‌دهد و می‌کوشد خیزش مزدک را از دیدگاه تلاشهای تبلیغاتی خسرو توضیح دهد.

«آیین ستایش آبهای خوب و پیشکش به آنها در دوره ساسانی»

جنیفر رز (دانشگاه کلرمانت گرجوئیت، امریکا)

از زمان یونانیان، به واسطه حضور و حاکمیت تقدس آتش در متون و مناسک مقدس زردشتیان، آنان همواره و البته به اشتباه «آتش‌پرست» به شمار رفته‌اند. بحث این مقاله این است که از همان دوره‌های اولیه، هم در مراسم دینی روحانیان و هم در مناسک پیشکش، آب نیز از ارزش و اهمیتی برابر با آتش برخوردار بوده است، اما پژوهشگران به این وجه توجه نداشته‌اند. هرودوت در تواریخ به نقش آتش در مذهب ایرانیان توجه چندانی نداشته است. هدایای خشایار شاه به آنها شامل یک عطردان زرین، یک کاسه زرین و یک نیام ایرانی بوده است. این اشیا غنایم گنجینه جیحون را به ذهن متبادر می‌سازند و نیز یک دفینه که اخیراً در افغانستان به دست آمده و متعلق به تاریخی

میان سده پنجم پیش از میلاد تا سوم میلادی دانسته شده‌اند. جواهرات و کوزه‌های سفال متعلق به نیمه بعدی این دوران‌اند که آنها هم در معادن باستانی (که در بهار آب از آنها فوران می‌کند) و غارهایی نزدیک کاشان به دست آمده و گویای مناسک محبوب مردمان عادی‌اند که احتمالاً به آن‌ها مرتبط می‌شود. گذشته از یک مناسک رسمی روحانی که در آن هدایایی به آب (آب زهر) و محوریت «آبها» در نماز آیینی یسنا، هپتان هائیتی، وجود داشته، به نظر می‌رسد سنتی قدیمی‌تر برای پیشکش به آب وجود داشته که با محدودیت آیینی کمتر در نیرنگستان به طور غیرمستقیم به آن اشاره شده است. پاسداشت آب همچون عنصر نگاه‌دارنده زندگی هنوز هم در میان زردشتیان دهکده‌ها و معابد اطراف یزد و کرمان رواج دارد و برخی از پارسیان (عمدتاً زنان) در آبان‌روز از آبان‌ماه هدایای مشابهی پیشکش می‌کنند. این مقاله با اشاره به پژوهشهای اخیر دامنه و تداوم برخی از این اعمال را مورد توجه قرار می‌دهد.

«سیاهه حمزه اصفهانی از منابع تاریخی ایران و ردیابی بخش مفقوده تاریخ‌نگاری ساسانی»

ژی‌و روبین

سیاهه حمزه اصفهانی را از نویسندگانی که به ادعای او نوشته‌هایشان را برای نگارش تاریخ ایران در دست داشته باید از نخستین منابع آغازگر بحث تاریخ‌نگاری دوره ساسانی دانست. این سیاهه هنوز در شمار منابع و متون کهن عربی به شمار می‌رود. با این همه، آن‌گونه که از کتاب تاریخ سنی ملوک الارض و الانبیاء و کتاب هم‌آرزش در فارسی نو، یعنی مجمل التواریخ برمی‌آید، این سیاهه به طرز غریبی مغفول مانده است. هدف این مقاله بررسی کلی و اجمالی این سیاهه و کوشش برای نهادن بنیان یک بررسی دقیق‌تر است. نویسنده از جمله می‌خواهد نشان دهد که چگونه آثاری چون نه‌ایه الآرب فی اخبار الفرس و العرب و نسخه هنوز منتشر نشده برلین، که در دسترس محققان پیشین، از جمله بارون فن روزن نبوده، پرتوهای تازه‌ای بر راهی می‌افکند که در آن، سیاهه حمزه اصفهانی ممکن است به خدمت روشن ساختن بسیاری از ابهامات در ردیابی بخش مفقوده تاریخ‌نگاری ساسانی درآید.

«ynd'k در زبان سغدی»

زهره زرشناس (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران)

واژه ynd'k در سغدی مانوی، سغدی مسیحی و سغدی بودایی آمده است. هرچند در برخی متون سغدی بودایی مترجمان ynd'k را برابر واژه‌های متفاوت چینی و اصطلاحات بودایی که معنای «بد» یا «اهریمنی» دارند می‌گذارند. به نظر نویسنده، از آنجا که علاوه بر این واژه کلمات دیگری برای

صفت «بد» و «اهریمنی» در سغدی وجود دارد، مترجمان ترجیح داده‌اند ynd'k را به کار ببرند زیرا احتمالاً اصطلاحی بوده که بیش از واژه‌های دیگر مفهوم عمیقی از «بدی» و «اهریمنی» را می‌رسانده است. در فارسی میانه صفت «گناگ» (gannag) صفتی اهریمنی است. در فارسی تاجیکی امروز واژه «گنده» (gondeh)، که در فارسی امروز ایران به معنای بزرگ است، عمدتاً ارزش معنایی برابری با «بد» دارد. نویسنده در این مقاله همه واژه‌های سغدی برابر این مفهوم را بررسی کرده تا به معنای دقیق، کاربرد و بسامد آنها دست یابد.

«نعت و عبارت‌پردازیهای شاعرانه در متون اوستایی و ودایی»
ولیزار سادوفسکی (مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش)

پس از تدوین نخستین جلد فرهنگ نامهای اشخاص ایرانی در آکادمی علوم اتریش در ۱۹۷۷ که انتشار یک رشته کتاب در زمینه نام‌شناسی در سنت یونانی، آناتولیایی و خاور نزدیک را در پی داشت، مطالعات تطبیقی ایران‌شناسی اکنون سرانجام می‌تواند، بر مبنای یک کار انجام‌شده محکم و استوار، به مسائل و دشواریهای زبان‌شناختی در حوزه ریخت‌شناسی و معناشناسی نامهای خاص و تعلیقات آن در زمینه نام‌گذاری بپردازد. تاکنون مطالعات نعت‌شناسی (صفت‌شناسی) و نام‌شناسی در دو زبان خواهرخوانده هندی و ایرانی باستان گویای تضاد و فاصله در این دو زبان بوده است. در مورد ایرانی باستان یک فرهنگ نامهای اشخاص تدوین شده که هرچند در نهایت دقت و وسواس بوده، نتوانسته آن‌طور که باید نظام نام‌گذارانه‌ای را که از صفت‌گونه‌ها یا نعت بهره‌مند باشد به کار گیرد. در مورد هندی باستان مطالعات متعدد تک‌نگاشتی در باب صفت‌های شاعرانه و معناشناسی واژگانی در دست داریم، هرچند یک نعت‌شناسی واقعی از نظام نام‌گذاری همچون یک کل منسجم در دست نیست (تنها سه تک‌نگاشت در مورد حروف خاص در طی ۱۳۰ سال گذشته نگاشته شده) و به رغم مشابهتهای این دو زبان از لحاظ گونه‌شناسی و تبارشناسی، در این زمینه چنین مطالعه تطبیقی‌ای هنوز صورت نگرفته است. برای پر کردن این فاصله، در دو سال گذشته در مؤسسه ایران‌شناسی آکادمی علوم اتریش مطالعاتی تطبیقی در هند و اروپایی در مورد نعت‌ها و اسامی خاص و ارتباطشان با عبارت‌پردازیهای شاعرانه در اوستای متأخر و ودایی صورت گرفته است. مواد و مصالح این پژوهشها در مورد ایران عبارت است از همه نامهای خاص اوستایی که در دست است و نیز نامهای ایرانی باستان موجود در الواح تخت جمشید و مجموعه‌هایی که در دهه‌های پیشین مایرهوفر، هینتس، و اشمیت بازبینی و منتشر کرده‌اند. در مورد هندی باستان نیز داده‌ها از ریگ‌ودا به همراه ودایی متأخرتر و تا حدی نیز از روایات حماسی و سنسکریت کهن برگرفته شده است. صفت‌ها و صفت‌گونه‌ها، نعت‌ها و نامها به گونه‌ای روشمند سامان داده شده و با زنجیره‌های آزاد همنشینی حروف و علایم عبارت‌پردازانه و تبیین‌های شاعرانه‌ای که در آثار ادبی

دیگر نیز به کار رفته بودند تطبیق داده شده‌اند. نعتها و اسامی خاص هند و ایرانی همچنین از لحاظ ساختار ترکیبی‌شان نیز تجزیه و تحلیل شده‌اند. این مقاله گزارشی از نتایج عمده حاصل از این کار به دست می‌دهد که بناست به صورت یک تک‌نگاشت در مجموعه فرهنگ نامهای اشخاص ایرانی منتشر شود.

• فصلنامه تاریخ ایران باستان

مجله اینترنتی فصلنامه تاریخ ایران باستان فصلنامه‌ای است تخصصی در زمینه مطالعات تاریخ ایران در دوره باستان که از اسفند ۱۳۸۴ (مارس ۲۰۰۶) آغاز به کار کرده و تاکنون دو شماره از آن بر روی شبکه جهانی در دسترس قرار گرفته است. این نشریه به سردبیری تورج دریایی (از دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون)، مهرداد قدرت‌دیزجی (از دانشگاه ارومیه) و روزبه زرین‌کوب (از دانشگاه تهران) و با همکاری هیئت متخصص در حوزه تاریخ و باستان‌شناسی با هدف «ارتقای همکاری محققان سراسر جهان و انتشار نتایج پژوهشهای آنان در همه زمینه‌های تاریخ و تمدن ایرانی در دوره باستان» تأسیس شده است و به گفته سردبیران «خواهد کوشید با انتشار مقالات محققان به زبان ساده پژوهندگان جوان‌تر را در راه تحصیل یاری و راهنمایی نماید».

در اولین شماره مجله مقاله‌های «مطالعه تعدادی از سکه‌های الیمایی»، «تاریخچه پژوهشهای علمی درباره ایران» و «اهمیت نهاد پادشاهی سلوکی در شکل‌گیری ایدئولوژی شاهنشاهی در ایران باستان» آمده است و در بخش «بررسی کتاب» به معرفی و بررسی کتابهای باستان‌شناسی فرانسه (نوشته ناصر نصیری مقدم) و چهار اسپهبدان ساسانی (نوشته ریکا گیزلن) پرداخته شده است.

دومین شماره مجله (شهریور ۱۳۸۵ / سپتامبر ۲۰۰۶) پس از درگذشت تأسف‌برانگیز شادروان علیرضا شاپور شهبازی بر روی شبکه قرار گرفت و به همین مناسبت در این شماره ریچارد فرای و تورج دریایی مطالبی درباره این محقق بزرگ تاریخ ایران باستان نوشته‌اند.

مقاله‌های این شماره عبارت‌اند از: «تپه ملیان و توسعه شهرنشینی در سرزمین انشان/پارسه»، «منطقه تهران در هزاره دوم پیش از میلاد»، «پارس و پاسارگاد: اسطوره و تاریخ پارسیان قبل از شاهنشاهی هخامنشی» و «تاریخ پایان پادشاهی مهرداد اول پارتی».

کتابهای ایرانشهر در جغرافیای بطلمیوس (یوزف مارکوارت)، فرهنگ الفبایی موضوعی اساطیر ایران باستان (ملیحه کرباسیان) و بدی، نیکی و جنسیت: گوشه‌هایی از مسائل مربوط به زنان در تاریخ دینی زردشتی (جمشید چوکسی) نیز در این شماره معرفی و بررسی شده‌اند.

فصلنامه بجز بخش مقاله‌ها و بررسی کتاب، بخشی را هم اختصاص داده به اخبار ایران‌شناسی

*Zoroastrianism: An Introduction to an
Ancient Faith* / Peter Clark
*Alexander of Macedon, 356-323 B.C.,
A Historical Biography* / Peter Green

Jennifer Rose 121

Evangelos Venetis 124

● **Abstracts of Persian Articles** 128

Persian Section

● **Obituary**

Alireza Shapur Shahbazi

A. Khatibi ۳

● **Articles**

A Tale from the Lost Middle Persian Literature

Dj. Khaleghi Motlagh ۱۷

E. Fatehinejad

A Newly Discovered Versified Version
of the Counsels of Xosraw Anušīravān

A. A. Sadeghi ۴۱

Abrang, Avrang, Avrand, and Arvand

F. Pakzad ۵۵

● **Reviews**

Wise Lord of the Sky: Persian Myth /

A. Khatibi ۶۱

T. Allan, Ch. Phillips, M. Kerrigan

Manichaean Art / H.-J. Klimkeit

M. Shokri Foumeshi ۶۵

The History of Herodotus, Vol. I: Clio

E. Sangari ۷۰

The Persians, An Introduction / M. Brosius

M. Ghodrat Dizaji ۷۶

● **Brief Reviews**

B. Mokhtariyan ۷۹

● **News**

A. Rasuli ۸۸

Z. Hedayati

I wish to thank Maclaren USA & Morteza Rastegar
Family Endowment for their support of the *Nāme-ye
Irān-e Bāstān*, in striving for harmony and peace
through education and creating awareness

Touraj Daryaei
Editor